

# بررسی سلفی‌پژوهی در چهل سال پس از انقلاب و افق‌های پیش رو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

محمدباقر پورامینی\*

## چکیده

سلفی‌پژوهی به نقد و ارزیابی میانی، روش‌ها و مسائل سلفیون اختصاص دارد. این مطالعات پیش‌تر بر محور بررسی و نقد آرای ابن‌تیمیه و به طور خاص محمد بن عبدالوهاب قرار داشت و بعد از انقلاب اسلامی به تناسب گسترش مطالعات شیعه‌پژوهی و جبهه‌گیری شدید دوگفتمان اسلام ناب و اسلام آمریکایی گسترش یافت و غالب مطالعات درباره سلفیون و وهابیت در چهار دهه را به خود اختصاص داد. در مطالعات انتقادی گذشته، سلفیه به عنوان یک جریان بسیط نقد می‌شد و مباحث خاصی چون توحید و شرک، ایمان و کفر، سنت و بدعت و حیات برزخی با تمرکز بر نقد میانی اعتقادی آنان مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ لیکن امروزه به دلیل تنوع و تکثر سلفیون و اندیشه‌های آنان، سلفی‌پژوهان تلاش می‌کنند با تکیه بر عقلانیت شیعی ضمن توسعه نقد میانی اعتقادی، به نقد میانی معرفتی

\* استادیار گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. pouramini@yahoo.com

آنان نیز بپردازند که این نوآوری به‌نوعی نقد تفکر سلفی در حوزه‌های علوم انسانی را در پی خواهد داشت. سلفی‌پژوهی کامیابی‌های متعددی در دهه‌های پس انقلاب اسلامی داشته است؛ از سویی نیز با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده است. در این نوشتار ضمن بررسی کامیابی‌ها، کاستی‌های این حوزه دانشی ارزیابی شده، بایدهای سلفی‌پژوهی در دهه پنجم انقلاب اسلامی با محوریت توسعه این حوزه علوم انسانی ارائه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** سلفی‌گری، وهابیت، ابن‌تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، انقلاب اسلامی، علوم انسانی

### مقدمه

سلفی‌پژوهی به معنای مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده درباره نقد و ارزیابی مبانی، روش‌ها و مسائل سلفیون است و این رویکرد علمی بر محور بررسی و نقد آرای ابن‌تیمیه و مروجان او به‌خصوص محمد بن عبدالوهاب قرار دارد. پیروزی انقلاب اسلامی زمینه صف‌بندی شفاف دو گفتمان اسلام ناب و اسلام آمریکایی را فراهم آورد و در چهاردهه اخیر همسو با مطالعات شیعه‌پژوهی در جهان مطالعات متنوع و گسترده‌ای درباره سلفیون و وهابیت به‌خصوص در ایران صورت پذیرفت.

سلفی‌گری یک پدیده جاری در جهان اسلام است و علی‌رغم ناکامی‌های وهابیت و جریان‌های افراطی آن، ظرفیت‌های متعددی برای اثربخشی در میان نخبگان و توده دارد؛ از این رو با توجه به کامیابی‌ها و پیشرفت‌های

مؤثر انقلاب اسلامی به عنوان نماد عقلانیت شیعی، مواجهه با سلفیان امری بدیهی و واضح است. سلفی‌پژوهی نیاز به بازخوانی جدی، دقیق و پژوهش با محوریت تفکیک گرایش‌های آن دارد. در این نوشتار ضمن اشاره به ماهیت و ضرورت سلفی‌پژوهی، درنگی در پیشینه سلفی‌پژوهی شده، امتیازات و کاستی‌های سلفی‌پژوهی در چهل سال بعد از انقلاب بررسی می‌گردد و باید‌های این حوزه مطالعاتی به‌ویژه از منظر علوم انسانی را ارائه خواهد کرد.

### ماهیت سلفی‌گری

سلفی‌گری ریشه در جهت‌گیری اصحاب حدیث و دعوت / احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ق) دارد و سلفی کسی است که بر مذهب سلف باشد (ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۲۱) و از راه و حرکت سلف صالح از سه قرن نخست پایبند در زمینه ایمان و اعتقاد، پیروی کند و مقصود از «سلفیه» را مجموعه‌ای از مسلمانان می‌شمارند که راه انتخابی آنان راهی است که صحابه و تابعین و اتباع آنان در پیروی از کتاب و سنت پیموده‌اند (القوسی، ۱۴۲۲، ص ۴۱ / صالح بن عبدالله، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۵۵). در نگاه العثیمین «هر کس بر منهاج و روش صحابه، تابعین و اتباع تابعین پایبند باشد، سلفی است» (العثیمین، ۱۴۳۴، ج ۲، ص ۴).

اصطلاح سلفی با تکیه بر باور / بن‌تیمیه (متوفای ۷۲۸ق)، در دو سده اخیر ظهور و بروز یافته و در عرصه باور و رفتار جمعی از فعالان امت

اسلامی مطرح شده است. پافشاری/بن‌تیمیه به سلف به گونه‌ای است که او در شمار پیشوایان سلفی جای گرفته و به ادعای برخی تنها راه وصول به مذهب سلف پیروی از مذهب/بن‌تیمیه است (مقبول احمد، ۱۴۱۶، ص ۶۶۰-۶۶۱). جریان سلفیه در دوره معاصر با محوریت دیدگاه/بن‌تیمیه در شبه قاره هند از سوی شاه ولی‌الله دهلوی (متوفای ۱۱۷۶ق)، در مصر از سوی رشید رضا (متوفای ۱۳۵۴ق) و گرایش‌هایی از اخوان و به‌خصوص در نجد و حجاز از محمد بن عبدالوهاب (متوفای ۱۲۰۶ق) پیروانی یافت.

جریان حاکم وهابی عربستان که واژه وهابی را برای خود «لقب شریف عظیم» می‌شمارد (بن‌باز، [بی‌تا]، ص ۱۹) اصرار دارد منحصرأ خود را «سلفی راستین» و جریان‌های دیگر سلفی را دچار انحراف از شیوه سلف قلمداد کند؛ از این رو امروزه می‌توان وهابیت را به عنوان مهم‌ترین جریان سلفی خشن عصر حاضر دانست. محمد الغزالی ضمن نقد وهابیت از نقش دشمنان اسلام در هموارکردن فضا برای سلفیان معاصر یاد می‌کند و در نگاه او اسلام ترسیمی از سوی آنان، نه تنها جذابیتی ندارد، بلکه سبب دوری از آن و مقدم‌کردن هر نطله‌ای بر دین اسلام می‌شود (محمد الغزالی، ۱۹۹۱، ص ۵۰). اندیشه ترسیمی وهابیت از اسلام و همچنین عملکرد منفی ایشان به گونه‌ای بود که حامد الگار معتقد است وهابیان اصول تعلیمات اسلام را کاملاً وارونه جلوه داده‌اند (الگار، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

امروزه سلفی‌گری از حالت بسیط عبور کرده، متکثر شده و ما شاهد جریان‌های مختلف سلفی با آبشخور آرا و دیدگاه‌های/بن‌تیمیه و/بن‌قیم هستیم

که در مطالعات سلفی‌پژوهی باید بدان توجه داشت.

### پیشینه سلفی‌پژوهی

ارائه افکار *ابن‌تیمیه* نقدهای جدی از سوی عالمان اهل سنت را در پی داشت؛ هرچند به دلیل آشفتگی ذهنی و فقدان معیار منطقی علمی در اندیشه *ابن‌تیمیه* بررسی افکار او را با مشکل روبه‌رو می‌سازد (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰). *تقی‌الدین سبکی* (متوفای ۷۵۶ق) یکی از منتقدان معاصر *ابن‌تیمیه* چند کتاب در رد او نوشت و در کتاب *السيف الصيقل* بدعت‌های او را در اصول عقاید و همچنین باورمندی وی به جسمانیت خدا را به چالش کشاند (سبکی، [بی‌تا]، ص ۱۹۰). *احمد بن یحیی کلابی* معروف به *ابن‌جهیل* (متوفای ۷۳۳ق) با نوشتن رساله‌ای در انکار «جهت» برای ذات حق تعالی *ابن‌تیمیه* را نقد کرد (همو، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۳۵). انتقاد از او به گونه‌ای است که منتقدان معاصر او را «برتافته از حقیقت» می‌دانند (ایوب، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵۲).

با مرگ *ابن‌تیمیه* شور و هیجان فکری پیروان حنبلی او در دمشق افول کرد و سلفی‌گری پس از شاگردان *ابن‌تیمیه* و بعد از یک دوره بلند افول، با پیدایی *محمد بن عبدالوهاب* دوباره مطرح گردید و او با تکیه تمام بر آثار *ابن‌تیمیه* و *ابن‌قیم* جریان سلفی با گرایش تکفیری را در نجد احیا کرد و زمینه شکل‌گیری یک جریان پر دامنه سلفی در حجاز و سپس جهان اسلام پدید آمد. *محمد بن عبدالوهاب* از نظر اصول اعتقادی بر پیروی *ابن‌تیمیه* مشی

می‌کرد و خود را سلفی می‌نامید. او برخی از اعتقادات مردم نجد را با این بهانه که به شرک آلوده‌اند، به باد انتقاد گرفت. محمد بن عبد الوهاب مسلمانان را مشرک، کافر، بت‌پرست، مرتد، منافق، منکر و دشمن توحید، دشمنان خدا، اهل باطل، نادان و شیاطین خوانده و تصریح کرده است که مشرکان زمان ما (مسلمانان) غلیظتر از مشرکان و بت‌پرستان گذشته‌اند؛ چون مشرکان گذشته در حال رفاه شرک می‌ورزیدند و هنگام گرفتاری اخلاص می‌ورزیدند؛ ولی مشرکان زمان ما در هر دو حالت به خدا شرک می‌ورزند (محمد بن عبد الوهاب، ۱۴۱۳، ص ۲۳). او در این مقطع رساله‌ای به نام کتاب التوحید نوشت. این رساله تنها شامل احادیثی بدون تفسیر است که در ۶۷ فصل تنظیم شده است. او به بهانه توسل مسلمانان به پیامبر ﷺ، ساخت بنا و گنبد و همچنین سفر به قصد زیارت، همه مسلمانان را، بدون استثنا، تکفیر می‌نمود.

همپیمانی محمد بن عبد الوهاب با محمد بن سعود (متوفای ۱۱۷۹ ق) زمینه تحقق دیدگاه‌هایی افراطی و تکفیری او را پدید آورد و این حرکت زمینه نگاشتن نقدهای متعدد از سوی علمای اهل سنت و سپس علمای شیعه گردید. می‌توان نخستین نقد به افکار محمد بن عبد الوهاب را از سوی برادرش سلیمان بن عبد الوهاب با نوشتن کتاب فصل الخطاب دانست که پاسخ رهبر جریان وهابی به برادرش سلیمان چیری جز ملحد و دشمن دین خواندن او نبود (همان، صص ۲۸۶ و ۲۹۴).

نقد وهابیت و به طور خاص باورهای محمد بن عبد الوهاب یکی از

محورهای مورد توجه اندیشمندان بود و آقا بزرگ تهرانی کتابشناس شیعی دوره معاصر در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعة* در معرفی «وهابیت‌پژوهی» ذیل فصل «الرد علی الوهابیه» بر فراوانی نگارش انتقادی عالمان شیعه و سنی تأکید و اذعان می‌دارد «قد کتب فی رد هذه الطائفة کتباً کثیرة لا تحصى، حتی أن العامة أيضا الفوا فی ردهم رسالات و کتباً کثیرة» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۳۵). او نخست از چند اثر منتشره از علمای اهل سنت همچون *الأوراق البغدادیة اثر شیخ ابراهیم، الفجر الصادق فی الرد علی منکرى التوسل اثر جمیل صدقی أفندی، المنحة الوهبیة اثر داود نقش‌بندی و الصواعق الالهیة از سلیمان بن عبدالوهاب* یاد کرده، سپس به تفصیل آثار مکتوب از سوی مؤلفان شیعی را معرفی می‌کند. *الرد علی الوهابیة* عنوان مشترکی است که چند متفکر شیعی همچون شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ میرزا محمد علی اردوبادی، سیدمحمد لواسانی (عصار) و شیخ هادی کاشف‌الغطاء آن را تألیف نموده‌اند (همان، ص ۲۳۷).

همچنین *معجم المؤلفات الإسلامیة فی الرد علی الفرقة الوهابیة اثر عبدالله محمدعلی* نیز می‌تواند در معرفی آثار وهابیت‌پژوهی مورد نظر قرار گیرد. در این کتاب تعداد ۸۲۲ اثر پژوهشی نویسندگان فرق مختلف اسلامی را به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و ترکی معرفی شده است.

### چهار دهه سلفی‌پژوهی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران زمینه بیداری اسلامی در جهان اسلام

را فراهم آورد و این نهضت بسیاری از نخبگان مسلمان را به سمت خود کشاند و از این رو علمای سلفی وهابی با هدایت حاکمان سعودی به مخالفت صریح و آشکار با تفکر عقلانی شیعه و به تبع آن نظام جمهوری اسلامی برآمدند و بعد از انقلاب اسلامی جبهه‌گیری شدید دو گفت‌وگو اسلام ناب و اسلام آمریکایی گسترش یافت و به تناسب گسترش مطالعات شیعه‌پژوهی از سوی مخالفان، مطالعات درباره نقد سلفیون و وهابیت نیز با ابعاد و زوایای بیشتری توسعه یافت.

عبدالله العنیمان استاد الجامعة الاسلامیة شهر مدینه به‌صراحت اذعان می‌کند که وهابیان به‌یقین دریافته‌اند تنها مذهبی که در آینده اهل سنت و وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد، همان مذهب شیعه امامی است (العماد، [بی‌تا]، ص ۱۷۸)؛ همچنین ناصر القفاری از نویسندگان معاصر وهابی مهم‌ترین انگیزه او نگارش کتاب خود را مقابله با فراگیر شدن شیعه در سراسر بلاد اسلامی دانسته، اعتراف می‌کند: «به واسطه همین تلاش‌هایی که آخوندهای شیعه دوازده‌امامی انجام داده‌اند، بسیاری از جوان‌های مسلمان به مذهب شیعه گرویده‌اند» (القفاری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۰). این نوع تلقی وهابیون از انقلاب اسلامی و حاکمیت شیعه سبب فرونی انتشار آثار در نقد تفکر شیعی در سراسر جهان به‌خصوص کشورهای اسلامی با مدیریت وهابیون عربستان شد. به استناد آمار و تحقیقاتی که توسط مرکز الأبحاث العقائدية صورت گرفته، مجموعه آثار منتشره وهابیون علیه شیعه بیش از پنج هزار عنوان بوده است که با



بررسی‌های انجام گرفته، حدود ۷۵ درصد این کتاب‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نگاشته شده‌اند.

بدیهی است این حجم از سرمایه‌گذاری در نقد شیعه و انقلاب اسلامی از سوی وهابیت به عنوان نماد اسلام آمریکایی و همچنین تلاش این فرقه برای بسط فکر و اندیشه انحرافی خود، توجه و ضرورت سلفی‌پژوهی را مضاعف می‌سازد. البته درنگ و بررسی کاستی‌ها، تثبیت و تقویت کامیابی‌ها و تلاش برای استفاده از ظرفیت‌ها پیدا و پنهان در نقد و ارزیابی اندیشه سلفیون ضروری است.

در این مقطع با توجه به تکثر جریان‌های سلفی، گسترش جریان تکفیری و تأثیر منفی سلفیان در جهان اسلام، سلفی‌پژوهی به عنوان یک حوزه مطالعاتی توسعه‌یافته «وهابیت‌پژوهی» تلقی شد و مطالعات و پژوهش‌های انجام‌یافته در دوران انقلاب اسلامی، افزون بر نقد وهابیت و محمد بن وهاب به بررسی و نقد اندیشه‌های ابن‌تیمیه و شخصیت‌های معاصر سلفی اختصاص یافت و سلفی‌پژوهی یکی از محوری‌ترین و پربسامدترین آثار تألیفی متفکران شیعه در نقد جریان‌ها و فرقه‌های اسلامی گردید.

در کتاب‌شناسی تکفیر اثر آقای ابانر نصر /صفهانی که به سفارش کنگره نقد جریان‌های تکفیری تدوین گردید، به صورت خاص آثار نقد جریان‌های متأثر از وهابیت معرفی شده است. تدوین‌گر با بررسی‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی ۵۲۸ اثر شامل ۲۳۵ کتاب، ۲۴۰ مقاله و ۴۹ پایان‌نامه و ۴ ویژه‌نامه معرفی کرده است. از مجموع ۵۲۸ اثر معرفی‌شده، ۴۳۱ عنوان

به زبان عربی و ۹۷ مورد به زبان فارسی است. گفتنی است مقاله‌های معرفی‌شده در این گزارش شامل مقالات نشریات و مقالات مجموعه‌مقاله‌ها به‌ویژه مجموعه مقاله‌های همایش‌های برگزارشده درباره تکفیر است. در این کتاب آثار منتشرشده در چهل سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی چشمگیر است. از این پژوهشگر پیش‌تر اثر دیگری به نام **کتاب‌شناسی نقد و هابیت** نیز منتشر گردید. در این کتاب حدود ۲۴۰۰ عنوان اثر تا ۱۳۹۱ از مؤلفان کتب نقد سلفیان از هر دو فرقه را ارائه کرده است. اطلاعات گردآوری‌شده به دو بخش تفکیک شده است: در بخش نخست آثار نویسندگان اهل سنت و در بخش دوم آثار نویسندگان شیعه معرفی شده است. نام نویسندگان ایرانی و شیعه بر اساس فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان (تهران، کتابخانه ملی) و نام نویسندگان اهل سنت بر اساس پایگاه اینترنتی الفهرس العربی که فهرستگانی واحد از آثار عربی است، مستند شده است. در این مجموعه نیز آثار محققان ایرانی در چهل سال اخیر ممتاز و برجسته است.

هرچند یک پژوهش مستقل درباره آثار منتشره در چهل سال اخیر در نقد سلفیون انجام نشده است، با تحولات علمی صورت‌گرفته در دهه اخیر می‌توان آمار این آثار را بیش از ۵۰۰۰ عنوان برآورد کرد که بیش از ۷۰ درصد آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی تولید شده است و نیمی از آنها سهم ایران و مروجان گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام است (حسینی قزوینی، ۱۳۹۶).



### بررسی کامیابی‌ها سلفی‌پژوهی در چهل سال اخیر

سلفی‌پژوهی با پیروزی انقلاب اسلامی و در طول چهل سال اخیر شاهد فرازهای موفق بود که نمونه‌های ذیل نشان از برخی کامیابی‌ها در این عرصه است:

#### الف) تمرکز ویژه به آبخور سلفی‌گری و نقد آرای ابن تیمیه

سلفی‌گری معاصر ریشه در آرای *تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم* معروف به *ابن تیمیه* دارد و شکل‌گیری اصول سلفی‌گری مرهون اوست؛ زیرا وی تأکید فراوانی بر تبعیت مذهب سلف داشت (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۹۶). *ابن تیمیه* با شعار تبعیت از «اهل سنت و جماعت» عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا کرد و بنای دوباره اندیشه ظاهرگرایی را گذاشت. افکار *ابن تیمیه* سبب احیای دوباره حنبلی‌گری افراطی و ظاهرگرایان سلفی گردید و با محوریت فعالیت اسلام اموی تقابل مذهبی عینی‌تر شد. شناخت *ابن تیمیه* و آرا و عقاید مدرسه او بخش مهم جریان‌شناسی سلفی‌گری است که نقطه ثقل فعالیت علمی برخی محققان نقد و بررسی دیدگاه‌های او بود. کتاب *الانصاف والانتصاف لأهل الحق من أهل الاعتساف* اثر یکی از علمای امامیه قرن هشتم در نقد کتاب *منهاج السنه* است. در کنار این نقد می‌توان از نگاه انتقادی علامه *عبدالحسین امینی* به *منهاج السنه* نیز یاد کرد (امینی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۱۱). همچنین *منهاج الشریعة فی الرد علی منهاج السنه* از سید محمد مهدی موسوی کاظمی قزوینی (متوفای ۱۳۵۸ق)، *اکمال المنة فی نقض*

منهاج السنه از سراج‌الدین هندی و إكمال السنّة فی نقض منهاج السنّة از سیدمهدی کیشوان نیز در راستای نقد دیدگاه‌های *ابن‌تیمیه* نگارش یافته است (میلانی، ۱۴۱۹، ص ۵۸۵). در دهه‌های اخیر این رویکرد از سوی عالمان و محققان برجسته ادامه و توسعه یافت و در نقد *ابن‌تیمیه* و آرای او آثار متعددی نگاشته شد. *ابن‌تیمیه فکراً و منهجاً* از آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی، افکار *ابن‌تیمیه* در بوته نقد از آیت‌الله سیدعلی میلانی و *التوحید عند الشیخ ابن‌تیمیه* از سیدکمال حیدری را می‌توان از مهم‌ترین آثار در این حیطه برشمرد؛ البته باید پایان‌نامه‌های متعدد در نقد افکار *ابن‌تیمیه* را نیز منظور داشت.

### ب) همسوسازی سایر مذاهب اسلامی

در چهل سال اخیر هنر عالمان شیعه بر توسعه فرهنگ تقریب بین مذاهب اسلامی و معرفی سلفیون افراطی به عنوان یک فتنه برای تشدید اختلافات مذهبی بود. تأکید بر تعمیق شناخت مذاهب اسلامی از یکدیگر، حفظ و پررنگ‌شدن مشترکات، بحث آرام در مسائل اختلافی و پرهیز از تنش، به عنوان محورهای تقریب مذاهب، حرکتی عقلانی برای وفاق در برابر سلفی‌گری وهابی و افراطی است. تأثیر این حرکت عقلانی را می‌توان از گفته ربیع المدخلی وهابی درباری سنجید؛ آن گونه که او سیاست تقریب بین مذاهب را بلایی نشئت‌گرفته از شیعیان می‌دانست و بر دشمنی شیعه و سنی اصرار می‌ورزید (ربیع المدخلی، ۱۴۳۱، ص ۴۱).

همسوسازی همه مذاهب اسلامی در برابر وهابیت از سیاست‌های مستمر امام خمینی و رهبر معظم انقلاب بود و ایشان «اتحاد» را به عنوان «یک هدف اعلا»، درمان اصلی برای امروز دنیای اسلام بر می‌شمردند. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشت «علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهم متعصب و ابسته به این یا فلان یا آن فرقه اسلامی نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مواخذه خواهند کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۷).

### ج) پاسخ‌دهی به شبهات

با پیروزی انقلاب اسلامی و اقبال مسلمانان جهان اسلام به آن و همچنین تثبیت جایگاه ایران به عنوان قطب محوری در مواجهه با نظام سلطه آثار بسیاری در مقابله با شیعه تألیف شد و بیشتر آثار در مهد سلفیان وهابی منتشر و در جهان اسلام توزیع گردید. این آثار برای تحریک احساسات عمومی ضد شیعه و شخصیت‌های منور تشیع نگاشته و توزیع شد. چهره‌های شاخص سلفی با تکیه بر تحریف و نسبت دروغ با طرح اتهامات تکراری، تفکر عقلانی و الهی تشیع را مورد حمله قرار دادند. بخشی از این آثار بازنشر افکار ابن‌تیمیه در نقد شیعه بود؛ فردی که با

نگاهی تمسخر آمیز، کینه‌ورزانه و نه علمی شیعه را گمراه‌ترین از مسیر حق، راه نایافته‌ترین در معقول و منقول و ناآگاه‌ترین در «عقلیات» تلقی کرده است که در بازکاوی روایات، صحیح را از سقیم باز نمی‌شناسند (ابن‌تیمیّه، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۳۶). بدیهی است این نوع نگاه خشن از سوی ابن‌تیمیّه به‌نوعی ریشه در دوران حیات او دارد؛ زیرا دوران ابن‌تیمیّه دوره رشد و تعالی شیعه در عراق و ایران بود و حکومت ایلخانان به رشد اجتماعی مذهب تشیع در جهان اسلام یاری رساند و چهره‌هایی همچون *خواجه نصیر الدین طوسی* (متوفای ۶۷۲ ق) و *علامه حلی* (متوفای ۷۲۶ ق) در قله دانش مسلمانان قرار داشتند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۶۳۹-۷۲۹ / اشمیتکه، ۱۳۷۸، صص ۱۹ و ۲۴). کتاب *و جاء دور المجوس* اثر شیخ محمد سرور بن نایف زین العابدین از نخستین آثار نقد شیعه است که در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی در عربستان منتشر شد. *احسان الهی ظهیر و ناصر القفاری* دو نویسنده‌ای بودند که آثار انتقادی آنان به شیعه بیشترین شمارگان را داشته است. کتاب *أصول مذهب الشيعة الامامية* از ناصر بن علی القفاری استاد دانشگاه محمد بن سعود در برادرانده افتراها و حتی هتاک‌های متعددی است. قفاری انگیزه خود از تألیف کتاب را دفاع از حق و حقیقت و مبارزه با فرقه‌های مخالف و اهل بدعت بیان می‌دارد (القفاری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۰).

افتراها و شبهات پیشوایان سلفی ترکیبی از بازتولید افتراءات گذشته و اتهامات جدید است که از سوی علمای شیعه به‌اجمال و تفصیل پاسخ داده



شده است (سبحانی، [بی‌تا]، ص ۱۵). شیعه پاسخ می‌گوید اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، راهنمای حقیقت اثر آیت‌الله سبحانی، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت اثر آقای احمد عابدی و نقد کتاب اصول مذهب الشیعه اثر آقای سید محمد قزوینی و جمعی از محققان از پژوهش‌های دوره معاصر است.

#### د) حضور فراگیر و مؤثر عالمان برجسته در نقد وهابیت

سلفی‌پژوهی در ایران در میان سایر حوزه‌های دانشی و پژوهشی در چهل سال اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و شخصیت مختلف علمی و بنام در این حوزه نقش مؤثر و ماندگاری ایفا کردند و راه عالمانی چون محمدجواد بلاغی، محسن امین‌عاملی و عبدالحسین امینی در نقد آرای وهابیت را تداوم و توسعه بخشیدند.

آیت‌الله جعفر سبحانی چهره شاخص و برجسته حوزوی است که بخش ویژه‌ای از وقت علمی خود را صرفاً به نقد علمی وهابیت و ریشه‌های فکری آن، بیان کلیات مسائل مورد اختلاف آنان با سائر طوائف اسلامی و تبیین صحیح نظریه اسلام اختصاص داده است که در ضمن آثار و یا به طور اختصاصی در قالب کتاب عرضه گردید. در کتاب مفاهیم القرآن به قلم استاد جعفر الهادی نخستین نقد ایشان به وهابیت ارائه گردید. سپس رساله توسل به ارواح مقدسه را که از محوری‌ترین چالش‌های موجود میان وهابیون و مسلمانان است، تدوین نمود. ایشان در گام سوم نقدی بر وهابیت را نگاشت و این باور انحرافی را در قالب یک فرقه نقد نمود. در سه دهه

اخیر دامنه تألیفات انتقادی او به وهابیت توسعه یافت و وی به عنوان اثرگذارترین متفکر با ده‌ها اثر در نقد این فرقه شناخته شد و کتاب‌هایی نظیر *الوهابیه فی المیزان*، *ابن تیمیه فکراً و منهجاً*، *وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی* و چندین اثر دیگر در پاسخ به شبهات جدید آنان از جمله *راهنمای حقیقت* عرضه گردید. آیت‌الله سیدعلی میلانی نیز از چهره‌های مؤثر در نگاه وهابیت است. افکار ابن تیمیه در بوته نقد و دراسات فی منهاج السنه لمعرفه ابن تیمیه نمونه‌ای از آثار اوست. همچنین آیت‌الله نجم‌الدین طبسی با نوشتن آثاری چون *شناخت وهابیت*، *رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت*، *روافد الایمان الی عقائد الاسلام* و *فرقه‌ای برای تفرقه* از فعالان عرضه سلفی‌پژوهی است. در کنار این متفکران شیعی می‌توان به محققان سخت‌کوشی چون حجج اسلام *علی کورانی*، *سیدمحمد قزوینی*، *فرمانیان* و *علیزاده موسوی* اشاره کرد. تألیف صدها اثر محققانه، اهتمام در عربی‌نویسی به منظور اثربخشی در میان نخبگان جهان اسلام، مواجهه و مناظره با مؤلفان سلفی، نقد دقیق جریان‌های تکفیری چون القاعده و داعش و دقت در انتساب آنان به سلفیان وهابی بخشی از تلاش صائب آنان است.

### ه) تنوع علمی و گستردگی مطالعات سلفی پژوهی

سلفی‌پژوهی در ایران بعد از انقلاب در قالب کتاب محصور نماند و در عرصه‌های مختلف پژوهشی، آموزشی و رسانه‌ای توسعه یافت. در دهه اخیر مراکز و مؤسسات متعددی به آموزش و تربیت ده‌ها سلفی‌پژوه



پرداختند. این مراکز گاه در ضمن سرفصل‌های خود به آموزش نقد سلفی‌گری اقدام و گاه مراکز مستقلی این رویکرد را دنبال کردند. موسسه «دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت (ع)» با حمایت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی با هدف شناخت و نقد افکار انحرافی وهابیت و جریان‌های سلفی، دفاع و ترویج عقاید حقه تشیع و تربیت نیروهای متخصص و متعهد در جهت مقابله با آنان در عرصه آموزش، پژوهش و نشر فعالیت می‌کند. انتشار فصلنامه سلفی‌پژوهی و فصلنامه سراج منیر نیز از اقدامات این مؤسسه است. برخی مؤسسات چون «مرکز الابحاث الاعتقادیه» به رصد دقیق و بهنگام مسائل و شناسایی شبهات مطرح‌شده از سوی وهابیت نیز اهتمام دارد. در این مراکز منبع‌شناسی آثار درباره وهابیت وجود دارد. تشکیل رشته‌های تخصصی نقد وهابیت در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی همچون تأسیس رشته نقد وهابیت در مقطع سطح چهار در دارالاعلام، رشته نقد وهابیت در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد در دانشگاه ادیان نیز از اقدامات مبارک سال‌های اخیر است.

برخی مؤسسات علمی برای انجام تحقیقات در نقد تفکر سلفی و اندیشه وهابی به صورت خاص به حوزه نقد وهابیت ورود کردند. ایجاد تمحض پژوهشی «نقد کلام سلفی» در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، «نقد وهابیت» در مؤسسه امام خمینی، بخش «وهابیت‌پژوهی» در دانشگاه باقرالعلوم (ع) و همچنین «میز وهابیت» در دفتر تبلیغات اسلامی از فعالیت‌های موفق جاری است.

برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی متعدد در راستای نقد و هابیت و گروه‌های سلفی افراطی انجام پذیرفته است. برگزاری «کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری» در حوزه علمیه قم از نمونه‌های موفق و مؤثر در سال‌های اخیر است. در بخش رسانه ساخت مستند، فیلم بلند و کوتاه در نقد و هابیت و جریان‌های تکفیری نیز انجام پذیرفت. راه‌اندازی سایت‌های فعال همچون «پایگاه پژوهشی تخصصی و هابیت‌شناسی» و «الموقع البینه للدراسات و الابحاث الوهابیه» نیز از فعالیت‌های مفید به شمار می‌رود. اختصاص برنامه‌های خاص در شبکه‌های صدای و سیمای جمهوری اسلامی و ماهواره‌های همسو با نظام همچون ولایت در زمره برنامه‌های موفق جاری است؛ همچنین می‌توان از تولید و ارائه برنامه‌های نرم‌افزاری نقد و هابیت یاد کرد.

### بررسی کاستی‌های سلفی‌پژوهی در چهل سال اخیر

علی‌رغم فراوانی و گستردگی پژوهش‌های انجام‌شده در نقد سلفی‌گری و به‌ویژه و هابیت، خلأها و ضعف‌های متعددی نیز در این حوزه وجود دارد که ترمیم و اصلاح آن ضروری است. کاستی‌های موجود در عرصه سلفی‌پژوهی را می‌توان در نمونه‌های ذیل دنبال نمود:

### الف) ضعف در مطالعات علوم انسانی

سلفیون از منظر مطالعات علوم انسانی به‌شدت آسیب‌پذیرند؛ اما از این



منظر کمتر مورد نقد قرار گرفته‌اند که باید این کاستی جبران شود. موضوع علوم انسانی در یک معنای کلی انسان و در معنای دقیق‌تر کنش‌های انسانی است. علوم انسانی به دسته‌ای از علوم اطلاق می‌شود که به مسائلی چون جامعه، فرهنگ، زبان، رفتار و کنش انسان و روان و اندیشه افراد توجه دارد. جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی و تاریخ چند نمونه از رشته‌های علوم انسانی‌اند. دسته‌ای دیگر از آنها مثل تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق مربوط به انسان‌اند و به اسم‌های گوناگون از قبیل «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «علوم تاریخی»، «علوم اخلاقی»، «علوم فرهنگی»، «علوم روحی» و «علوم توصیف افکار» نامیده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۶-۱۷)؛ از این رو علوم انسانی قاعدتاً دانش‌هایی ناظر به حالات، شئون و رفتارهای فردی یا اجتماعی «انسان» هستند.

پیروان مکتب سلفی در زمینه علوم انسانی با این آسیب‌های مهم روبه‌رو هستند:

اول. از جمله چالش‌های جدی تفکر سلفی ماهیت و کارکرد انسان است. انسان از کرامتی برخوردار است که در قرآن و آموزه‌های اسلامی به آن اشاره شده است و از این رو نمی‌توان به راحتی کرامت یک انسان را پایمال نمود و انسانی را که با فکر و اندیشه سلفیون همسو نیست، در قفس نهاد یا او را گردن زد و به قتل رساند.

دوم. اصول رفتاری و اخلاقی سلفیان نشان می‌دهد خصلت‌های آنان در

دایره رذیلت‌های اخلاقی محصور شده و در حالات نفسانی چون کینه، عداوت، حسد، تکبر، نفرت، دروغ، تهمت و... تبلور یافت است؛ به گونه‌ای که رفتار زشت و منفی سلفیان در موضوعاتی مانند «تکفیر»، «خشونت»، «کشتن»، «تخریب» و تکیه بر «رفتارهای جامعه‌سنیز» همچون «تخریب مزارات و اماکن مقدس» متبلور است.

سوم. سلفیون وهابی با تحریف مفهوم «جهاد» به درونی‌سازی درگیری‌ها میان مذاهب اسلامی اقدام کرده‌اند. با درنگ در پیشینه و وضعیت جاری وهابیون نزاعی میان ایشان و دنیای غرب و پدیده‌های چون لیبرالیسم، مارکسیسم و صهیونیسم دیده نمی‌شود و حتی سنخیتی فرهنگی و سیاسی میان جریان سلفی وهابی و اردوگاه غرب مشهود است. رویکرد سکوت در برابر تحولات بین‌الملل و بی‌طرفی در برابر ظلم به مسلمانان از سوی دولت‌های استعماری، به‌نوعی همسوی سلفیون وهابی با نظام سلطه تلقی می‌شود.

### ب) عدم اشاره به مبانی معرفتی سلفیان

یکی از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناختی دینی این است که برای دستیابی به معرفت دینی، در کنار نقل می‌توان گزاره‌های بنیادین عقاید دینی را از راه عقل اثبات کرد. شهود نیز طریق سوم معرفت به شمار می‌آید؛ لیکن در نگاه سلفیان ابزارهای معرفت و دسترسی به حقایق دینی منحصر به «نقل» است و آنان منکر اعتبار و کارکرد «عقل» و همچنین



منکر معرفت حاصل از «شهود و کشف» هستند و به باور آنان کتاب، سنت رسول خدا ﷺ و اصحابش و اجماع اهل علم تنها منابع شناخت است (بن‌باز، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۱۶).

نقد‌های جاری بر سلفیون منحصر در مبانی اعتقادی است و مبانی معرفتی کمتر مورد نقد قرار گرفته است؛ در حالی که این حوزه یکی از چالش‌های دینی سلفیون است که باید به خوبی بررسی و نقد شود؛ زیرا:

اول. گرچه در مکتب سلفیه اصالت با نقل است، آنان برای فهم اصول و فروع دینی، بر ظواهر متن آیات قرآن و احادیث تکیه می‌کنند و ضمن جمود بر ظاهر در شناخت اصول اعتقادی از تأویل دوری کرده، هر گونه باطن مخالف با ظاهر را که گاه به بهانه دوری از تشبیه و تجسیم مطرح می‌گردد، رد می‌کند (ابن‌تیمیه، ۱۴۲۵، ص ۲۸۰ - ۲۸۵). نگاه انحصار در اسلوب نقلی ریشه در باور حشویه دارد که جز به گردآوری و نقل حدیث به چیز دیگر نمی‌اندیشند و با ملاک قراردادن هر حدیث ضعیف و صحیحی اباطیل فراوانی را به نام دین ترویج می‌کنند.

دوم. سلفیون با رویکرد ظاهرگرایی، عقل برهانی را کنار می‌گذارند؛ جمود در فکر و پرهیز از عقل و عقلگرایی بزرگترین آسیب مکتب سلفی است. در مکتب سلفی عقل و استدلال پذیرفته نیست و ادعای سلفیه بر آن است که در دین اسلام هیچ چیزی وجود ندارد که با عقل صریح یا نقل صحیح در تعارض باشد (ذهبی، ۱۴۰۲، ص ۴۹). ابن‌تیمیه جایگاه استقلالی عقل را منکر است و عقل را به‌تنهایی در هدایت و ارشاد کافی ندانسته،

مدعی است در شریعت و از سوی خدا کسی به پیروی از «نظر و استدلال» مأمور نشده است و سلفیون پیرو او نیز منابع را منحصر در کتاب، سنت و اجماع دانسته، عقل را به مثابه منبع مستقل شناخت و در عرض کتاب و سنت نمی‌پذیرند و هر نوع عقل‌گرایی را به کناری نهاده، توجه استقلالی به عقل را به معنای بی‌فایده‌بودن ارسال رسل و انزال کتاب می‌شمارند (الحلمی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۵ - ۳۸۶). آنان به عنوان سرسخت‌ترین عقل‌گريزان، در اصل توانایی عقل برای فهم دین و کاربرد آلی و ابزاری آن تاملاتی داشته، نقش عقل را به مثابه ابزار فهمنده و مفسر کتاب و سنت نمی‌پذیرند؛ به گونه‌ای که در انکار اعتبار عقل در فهم متون، ظاهر‌گرایی افراطی را پیش گرفته، بر این باورند عقل در دایره فهم عقاید ناتوان است (همان، ص ۷۳). عقل در تشریح اسلامی جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. علامه حلی عقل را یک منبع مستقل شناخت و ابزار فهم دانسته، بر حجیت آن تأکید می‌کند؛ آن سان که با کمک عقل به تبیین مسائل کلامی می‌پردازد (حلی، ۱۴۲۶، ص ۸۷). عقلی که به عنوان منبع شناخت دین قابل طرح است، «عقل برهانی» است. ارزش و اعتبار این عقل نمی‌تواند کمتر از چیزی باشد که از کتاب و سنت فهمیده می‌شود؛ بلکه این عقل برهانی حکمش همان حکم کتاب و سنت است (ر. ک: الغزالی، ۱۴۱۳، ص ۱۵۹ / جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۷۰ / علیدوست، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱).

سوم. سلفیان در حوزه مسائل هستی‌شناختی، حس‌گرا هستند؛ به گونه‌ای که ابن‌تیمیّه بر حس مشهود تأکید می‌کند و معتقد است تنها از راه حس

می‌توان به یک امر واقعی خارجی شناخت پیدا کرد (ابن تیمیه، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲-۲۰۵).

چهارم. سلفیان کشف و شهود را نمی‌پذیرند و از آن به عنوان ذوق تعبیر می‌کنند و معتقدند عقل و شهود جز نشان‌دادن باطل کاری انجام نمی‌دهد و عقل در باب خداوند و امور دیگر اعتقادی هیچ فهم صحیحی ندارد. در نگاه سلفیان فقط باید به وحی و نقل اعم از کتاب و سنت و اجماع سلف مراجعه کرد و از عقل‌گرایان و شهودیان دوری گزید؛ زیرا آنان انسان را به باطل رهنمون می‌سازند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۲۸ و ۱۹۹۱، ج ۵، ص ۳۳۶-۳۳۷).

### ج) غلبه رویکرد دفاعی بر رویکرد انتقادی

اغلب پژوهش‌های انجام‌گرفته در مواجهه با وهابیت رویکرد دفاعی دارد؛ از این رو باید به هویت معرفت‌زایی کلام شیعه نیز توجه بیشتر نموده، رویکرد انتقادی را تقویت کرد؛ برای مثال در مواجهه با سلفیون می‌توان حرکت انحرافی آنان را در تضاد با اصول و باور سلف معرفی کرد و بر عدم مصادره این عنوان از سوی آنان تأکید نمود. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه معتقد است: سلفی‌گری اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرزدگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود، با

نوگرایی، سماحت و عقلانیت- که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند- سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد (خامنه‌ای، ۹۰/۱۱/۱۴).

#### د) غفلت از گرایش‌های سلفی غیر وهابی

در گذشته بحث سلفیه یک جریان بسیط و کاملاً واحد بوده است و حول محور افرادی چون *ابن تیمیه*، *ابن قیم* (متوفای ۷۵۱ق) و *محمد بن عبدالوهاب* و حول مباحثی چون توحید و شرک، ایمان و کفر، سنت و بدعت و حیات برزخی می‌گشت؛ لیکن در دهه‌های اخیر تنوع و تکثر در اندیشه‌های سلفیه پدید آمد و سلفی‌گری از حالت بسیط بیرون آمد و با حفظ اصول و مبانی مشترک برگرفته از *ابن تیمیه* به شعبه‌های مختلف تقسیم شد.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان سلفی‌گری را به سه بخش تقسیم کرد: وهابی‌ها به عنوان سلفی‌گری تقلیدی؛ اخوان‌المسلمین به عنوان سلفی‌گری اصلاحی و داعش به عنوان سلفی‌گری جهادی شهره‌اند. این دگرگونی و تکثر در سلفیون وهابی نیز پدید آمد و وهابیت در عربستان نیز به جریان‌های درونی چون «درباری یا جامیه» و «سروریه» تقسیم شدند. در میان این گرایش‌های مختلف وهابی مقیم عربستان، تعارضاتی نیز پدید آمد و جریان‌های معارض وهابی نیز با عنوان «جهیمان» و «قطبی» فعالیت داشته‌اند. جریان «نوسلفیون» نیز یک پدیده قابل توجه و خطرناک در عربستان تلقی می‌شوند. البته به دلیل رویکرد حاکمیت سعودی، وهابیه



جامیه که به تقلیدی نیز معروف است، بر سایر گرایش‌های وهابی تفوق دارد و آنان بر تمامی مسندهای دینی و فرهنگی سلطه تام دارند و تفکر سلفی وهابی را نمایندگی می‌کنند (پورامینی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰).

سلفی‌پژوهی در دوره معاصر بیشتر تمرکز بر سلفیان وهابی داشته و سایر گرایش‌های سلفی و حتی گرایش‌های منشعب از وهابیت کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. جریان حاکم وهابی عربستان اصرار دارد با استفاده از ثروت و رسانه‌های دولتی منحصرأ خود را «سلفی راستین» و دیگران به‌ویژه سلفی‌های اصلاحی و اجتهادی را دچار انحراف از شیوه سلف قلمداد کنند؛ از این رو درنگ و مطالعه و بررسی جریان‌های سلفی وهابی و غیر وهابی ضرورت دارد.

### باید‌های سلفی‌پژوهی

سلفی‌پژوهی در دهه پنجم انقلاب اسلامی ضمن درنگ در کاستی‌های چهار دهه قبل نیازمند بازخوانی و سناریوسازی دقیق و پژوهش با محوریت تفکیک گرایش‌های آن است. برای یک مطالعه فراگیر و گسترده درباره سلفی‌گری، پیگیری نکات ذیل ضروری است:

۱. تأکید بر جذب نخبگان علمی و پرورش آنان در نقد سلفی‌گری.
۲. پرهیز از پژوهش‌های تکراری، سست و بی‌حاصل.
۳. تلاش بر درونی‌سازی نقد وهابیت از سوی سلفیون، مانند تمرکز بر نقد اخوان‌المسلمین بر ضد وهابیت؛ همچنین استفاده از ظرفیت دیوبندی‌ها

به عنوان یک گرایش سلفی در نقد و هابیت. شایان ذکر است دیوبندی‌ها گرچه ضد اندیشه شیعه‌اند، به دلیل اشعری، ماتریدی و صوفی‌بودنشان با هابیت در تضادند.

۴. استفاده از ظرفیت مؤثر عالمان برجسته اهل سنت ایران در نقد و هابیت.

۵. توجه به بومی‌شدن شبهات و هابیت در ایران و گسترش آن و تدبیر برای دفع و رفع آن.

۶. ریشه‌یابی، پیشگیری و مقابله با سلفی‌های شیعی ایرانی و همسانی شبهات جاری آنان با هابیت.

۷. ضرورت پرداختن به مباحث آینده سلفی‌گری.

۸. ضرورت یکسان‌سازی پاسخ‌های ارائه‌شده به شبهات سلفیان.

۹. توجه به مخاطبان توده برای کاستن دامنه اختلاف بین شیعه و سنی.

۱۰. شناسایی و آسیب‌شناسی مناظرات با سلفیون و ارائه مناظره معیار.

### نتیجه‌گیری

سلفی‌گری یک پدیده جاری در جهان اسلام است و علی‌رغم ناکامی‌های و هابیت و جریان‌های افراطی آن، ظرفیت‌های متعددی برای اثربخشی در میان نخبگان و توده دارد. پیشرفت‌های مؤثر در زمینه سلفی‌پژوهی در پرتو انقلاب اسلامی به عنوان نماد عقلانیت شیعی، قابل توجه و افتخارآمیز است. تمرکز ویژه به آبشخور سلفی‌گری و نقد آرای *ابن تیمیه*، همسوسازی

سایر مذاهب اسلامی، دفاع عالمانه از عقاید شیعه و حضور مؤثر عالمان و گستردگی مطالعات از کامیابی‌ها در زمینه سلفی‌پژوهی است.

از سویی در نقد سلفی‌گری به‌خصوص وهابیت ضعف‌های متعددی وجود دارد که باید نسبت به ترمیم و اصلاح آن کوشید. عدم توجه به مبانی معرفتی سلفیان، ضعف مطالعات علوم انسانی، غلبه رویکرد دفاعی بر رویکرد انتقادی و غفلت از گرایش‌های سلفی غیر وهابی را باید از کاستی‌ها شمرد و در جهت رفع آن تلاش نمود. در این نوشتار بر فروکاستن این ضعف‌ها و بهبود مطالعات سلفی‌پژوهی نکاتی ارائه شده است.

## منابع

۱. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم؛ مجموع الفتاوی؛ المملكة العربية السعودية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۲. —؛ الفتوى الحمويه الكبرى؛ الرياض؛ دار الصميعی، ۱۴۲۵ق.
۳. —؛ درء تعارض العقل والنقل (او موافقة صحيح المنقول لصريح المعقول)؛ رياض: جامعه محمد بن سعود الاسلاميه، ۱۹۹۱م.
۴. —؛ نقض المنطق؛ القاهرة: مطبعة السنه المحمديه، ۱۳۷۰ق
۵. —؛ منهاج السنة النبوية؛ رياض: چاپ محمد رشاد سالم، ۱۴۰۶ق.
۶. اشمیتکه، زابینه؛ اندیشه های کلامی علامه حلی؛ ترجمه احمد نمايي؛ مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸.
۷. امینی، عبدالحسین احمد؛ الغدير في الكتاب والسنة و الأدب؛ بيروت: دار الكتب العربي، ۱۳۸۷ق.
۸. ایوب، سعید؛ معالم الفتن؛ قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۴ق.
۹. بن یاز، عبدالعزيز؛ مجموع فتاوی و مقالات متنوعه؛ رياض: دار القاسم، ۱۴۲۰ق.
۱۰. —؛ فتاوی نور علی الدرب؛ اعتنى به ابو محمد عبدالله بن محمد بن احمد الطيار و ابو عبدالله محمد بن موسى الموسى؛ [بی جا]، [بی تا].
۱۱. پورامینی، محمداقر؛ بنياد تفکر سلفی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و



- اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۲. جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی؛ قم: نشر علم، ۱۳۸۸.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ قم: اسراء، ۱۳۸۷.
۱۴. حامد الگار؛ وهابگیری؛ ترجمه احمد نمایی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۵. الحلمی، مصطفی؛ قواعد المنهج السلفی فی الفكر الاسلامی؛ الاسكندریه: دار الدعوة، ۱۴۱۶ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف؛ تسلیک النفس إلى حظيرة القدس؛ قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات ۹۰/۱۱/۱۴.
۱۸. —؛ بیانات ۱۳۸۶/۱۰/۱۷.
۱۹. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد؛ مختصر العلو للعلی الغفار؛ تحقیق شیخ البانی؛ بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۲ق.
۲۰. —؛ سیر اعلام النبلاء؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۱. ربیع المدخلی؛ مکانة الصحابة فی الإسلام؛ الجزایر: المیراث النبوی، ۱۴۳۱ق.
۲۲. سبحانی، جعفر؛ ظاهرة الافتراء على الشيعة عبر التاريخ؛ تهران: مشعر، [بی‌تا].

۲۳. السبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب بن علی؛ طبقات الشافعية؛ بيروت: هجر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۳ق.
۲۴. السبکی، علی بن عبدالکافی؛ السيف الصقيل في الرد على ابن زفيل؛ مصر: مكتبه زهران، [بی‌تا].
۲۵. صالح بن عبدالله بن عبدالرحمان؛ عقيدة الشيخ محمد بن عبدالوهاب السلفيه و اثرها في العالم الاسلامي؛ المدينة المنوره: مكتبه الغرباء الاثريه، ۱۴۱۷ق.
۲۶. صبری پاشا، ایوب؛ تاریخ و هابیان؛ ترجمه مهدی پور؛ تهران: طوفان، ۱۳۷۷.
۲۷. الطهرانی، آقا بزرك؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة؛ بيروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲۸. العثيمين، محمد بن صالح؛ فتاوى نور على الدرب؛ القصيم: مؤسسه الشیخ محمد بن صالح العثيمين، ۱۴۳۴ق.
۲۹. ---- ()، شرح العقیده الواسطیه للشیخ ابن تیمیه؛ قاهره: مكتبه التوفيقیه، ۲۰۱۰م.
۳۰. علی زاده موسوی، سیدمهدی؛ سلفی‌گری و وهابیت؛ قم: آوای منجی، ۱۳۹۱.
۳۱. علیدوست، ابوالقاسم؛ فقه و عقل؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۲. العماد، عصام (بی‌تا)؛ روشی نو و صحیح در گفتگوی اعتقادی با مذهب



- وهابیت (ترجمه المنهج الجديد و الصحيح فى الحوار مع الوهابيين)  
ترجمه حميدرضا غريب‌رضا؛ قم: مؤسسه الكوثر، [بى‌تا].
۳۳. الغزالي، ابو‌حامد محمد بن محمد؛ المستصفى؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۳ق.
۳۴. الغزالي، محمد؛ تراثنا الفكرى فى ميزان الشرع و العقل؛ مصر: دار نهضة، ۱۹۹۱م.
۳۵. حسيني قزوینی، سيدمحمد؛ «كتاب‌هاى كه بر عليه شيعه نوشته شده»، در: hadana. ir, ۱۳۹۶.
۳۶. القفارى، ناصر بن عبدالله؛ أصول مذهب الشيعة الامامية الاثني عشرية: عرض و نقد؛ الحيزة، [بى‌تا].
۳۷. القوسى، مفرح بن سليمان؛ المنهج السلفى؛ الرياض: دار الفضيله، ۱۴۲۲ق.
۳۸. كاشفى، محمدرضا؛ كلام شيعه: ماهيت، مختصات و منابع؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ۱۳۸۶.
۳۹. لاهيجى، عبدالرزاق بن على؛ گوهر مراد؛ تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۷۲.
۴۰. محمد بن عبدالوهاب؛ كشف الشبهات فى التوحيد؛ مدينه المنوره: جامعه الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
۴۱. \_\_\_\_\_؛ مفيد المستفيد فى كفر تارك التوحيد؛ رياض: مكتبه الرشد، ۱۴۳۱ق.

۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ جامعه و تاریخ از نگاه قرآن؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۴۳. مقبول احمد، صلاح‌الدین؛ دعوه شیخ الاسلام ابن تیمیه و اثرها علی الحركات الاسلامیه؛ الكويت، ۱۴۱۶ ق.
۴۴. میلانی، سیدعلی؛ دراسات فی منهاج السنة لمعرفة ابن تیمیه؛ قم: مرکز الحقایق الاسلامیه، ۱۴۱۹ ق.

۲۶۶

